

# محرمان گوی عشق

(مجموعه‌ای از مری عشق‌های دست نیافتنی)

● نویسنده: فرحناز هرندی (صبور)

- سرشناسه : هرندی، فرحناز، ۱۳۵۲ -
- عنوان و نام پدیدآور : محرومان گری عشق: (مجموعه‌ای از سری عشق‌های دست‌نیافتنی) / نویسنده فرحناز هرندی (نازی صالحی، صبور).
- مشخصات نشر : تبریز: ییلاق قلم، ۱۳۹۶.
- مشخصات ظاهری : ۸۰ ص.
- شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۹۸۶۷۵-۱-۶
- وضعیت فهرست نویسی: فیپا
- رابطه : داستان‌های کوتاه فارسی - قرن ۱۴
- موضوع : Short stories, Persian -- 20 th century
- رده بندی کنگره : PIR۸۳۶۴/۹م۳ ۱۳۹۶
- رده بندی دیویی : ۸۱۳/۶۲
- شماره کتابشناسی ملی : ۲۹۷۳/۲



## محرومان گری عشق

(مجموعه‌ای از سری عشق‌های دست‌نیافتنی)

نویسنده: فرحناز هرندی (صبور)

ناشر: انتشارات ییلاق قلم با همکاری نشر اختر

چاپ اول ۱۳۹۶ ● ۸۰ صفحه ● قطع رقعی ● ۱۰۰۰ جلد

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۸۶۷۵-۱-۶

تبریز- اول خیابان طالقانی، روبروی مصلی، نشر اختر

تلفن: ۰۹۱۴۱۱۶۶۸۹۷ و ۰۴۱-۳۵۵۵۵۳۹۳

قیمت: ۱۲۰۰۰ تومان

\* حق چاپ برای مؤلف محفوظ است \*

## فهرست

|    |              |
|----|--------------|
| ۶  | مقدمه        |
| ۹  | داستان خدیجه |
| ۱۷ | زلیخا        |
| ۳۰ | تنه سمیرا    |
| ۴۴ | داستان کاوه  |
| ۵۹ | انیس         |
| ۶۸ | داستان باران |

# بسم الله الرحمن الرحيم

## مقدمه

اولین روزهای خزان، من و خانم فرحناز هرندی که نام هنری ایشان نازی صالحی «صبور» می باشد از طریق فضای مجازی آشنا شدم. در همان اوایل آشنایی، نخستین بار متن ادبی ایشان را که به زبان فارسی در مورد داستان عاشیقی اصلی و کرم و شهرت برین و دیوارهای کاه گلی قراملک بود را دریافت کردم، نوع تازگی، جذابیت خاص و خیلی زنده با روحم انیس شد. متنی که در آن نویسنده غریب و حساس درونی خویش را بدون تظاهر، با سادگی و ملاحظتی خاص نشان داده است. شاید همین بی ریایی که در متن موج میزند به آن جاذبه و روحی خاص می بخشد.

بعد از آن، متن ها و شعرهایی که از این بانوی هنرمند در سایت های اینترنتی خواندم، مشخص بود که همان سادگی و هیجان و گرمی سخن در آثار این بانوی هنرمند اهل رفسنجان مشهود است، قدرت توصیف،

تعجب عواطف و احساسات و شور و توجه خاص وی در مورد عشق کاملاً مشخص می‌باشد و مسلماً هر چه در آینده بر آثار وی افزوده شود، حاکی از این مسئله خواهد بود.

کسی که در طول عمر خود تا آن روز فقط یک روز در شهر تبریز بوده با تاثیر گیری از عشق و علاقه‌ای که به شهر تبریز دارد و شنیدن یک داستان عاشیقی آن را با عواطف روحی و احساسی خود در هم آمیخته و مناسی را از تخیلات و روحیات خود نشات می‌گیرد را می‌آفریند. حاصل این تکرر و احساسات متنی گیرا و پر احساس می‌باشد که خواننده را به دست خود سوق می‌دهد. شهر تبریز و کوچه‌های قراملک را چنان توصیف می‌کند که گویی در آن زندگی کرده است و از آن جان گرفته است.

این نویسنده در این مجموعه‌ی داستانی توانسته با بیان تاثیر عشق در زندگی روزمره‌ی انسان‌ها و جدا نبودن آن از زندگی بشر را با شور و حرارتی فراوان توصیف کند. این مجموعه‌ی داستانی شامل شش داستان کوتاه می‌باشد که در هر یک از آنها شور و عشق و مهربانی در زندگی به نوعی تجلی یافته است که در هیچ یک از این شش داستان مورد نظر به عشق خود دست نیافته است با این حال عشق را به گناه آلوده نکرده و آن را تمیز نگه می‌دارد.

در یکی از داستان‌ها یا همان داستان باران، نویسنده سرگذشت باران را چنان زیبا تصویر کرده است که گویی لحظه لحظه‌ی آن اتفاقات را

با باران زندگی کرده است با بهره گیری از قدرت توصیف، پدر را از زبان دخترش آن چنان وصف می کند که گویی پدر همانند کوهی استوار و باشکوه است تا دخترش به راحتی به او اتکا و خود را به شانه ای امن پدر تکیه دهد.

نویسنده توانسته با بکارگیری احساسات درونی یک انسان و توأم کردن آن با اسبق، داستان را در مسیر مورد نظر خود پیش ببرد. با مطالعه ای اندکی توان دریافت که چگونه با زبان ساده و روان توانسته احساسات خود را به رشته تحریر در آورد.

گیرایی داستان ها در تکمیل نبودن جملات می باشد که نویسنده به عمد نخواست به بازی کردن کلمات و تکرار دادن آنها در کنار هم ذهن خواننده را مشغول کند و بطور ساده و دل نشین آن چه را که از دل بر آمده به صورت کوتاه با قلم نگاشته است آثار این هنرمند آن چنان ظریف و قشنگ می باشد که با آن که داستان ها که تاه می باشد ولی منظور و هدف نویسنده بیان می شود.

این بانوی عزیز، نویسنده ی ظریف شاعره ی صاحب سبک و استعداد خداداد با پشت کار و انگیزه ای که در او سراغ ندارم، بی شک خود را به اوج قله های رفیع هنر خواهد رساند و از هنرمندان موفق در حوزه ی ادبیات خواهد شد. آن روز خیلی نزدیک است...

حسن فرخی قراملکی

تبریز ۹۶/۸/۱۷